



سخنرانی مریم رجوی در پارلمان اروپا - کنفرانس اقدام عملی برای توقف اعدام‌ها

۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

رژیم، خشم جامعه و مقاومت سازمان یافته را تهدید خود می‌داند نه جنگ خارجی

رژیم، خشم جامعه و مقاومت سازمان یافته را تهدید خود می‌داند نه جنگ خارجی
نمایندگان محترم ملت‌های اروپا، دوستان گرامی!
از دیدار با شما خوشوقتم.

من به خانه دموکراسی اروپا آمده‌ام تا بر این حقیقت تأکید کنم که جنگ اصلی و جنگ تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز، جنگ بین مردم ایران و دیکتاتوری دینی است.
رهایی از فاشیسم دینی و سلاح اتمی و گروه‌های نیابتی و پایان دادن به جنگ، تنها با سرنگونی این رژیم به دست مردم و مقاومت سازمان یافته امکان‌پذیر است.

مواضع مقاومت ایران

در شرایط خطیر کنونی که صلح و امنیت در منطقه و جهان به وضعیت ایران گره خورده است،
از جانب مقاومت ایران اعلام می‌کنم:

۱. رژیم ولایت فقیه با پسر خامنه‌ای، کمترین ظرفیتی برای اصلاح و تغییر ندارد. این رژیم، به‌رغم هر مانوری از برنامه بمب‌سازی اتمی و گروه‌های نیابتی دست برنمی‌دارد و حیانتش به سرکوب وحشیانه مردم وابسته است.
۲. رژیم حاکم که در دی‌ماه گذشته با یک قیام سراسری مواجه شد، در موقعیت سرنگونی قرار دارد و هیچ‌گاه به اندازه امروز لرزان، ضعیف و آسیب‌پذیر نبوده است.
- این رژیم خشم جامعه ایران و مقاومت سازمان یافته را تهدید موجودیت خود می‌داند نه جنگ خارجی. سران رژیم، نگران پیامدهای صلح و فوران قیام هستند. از هنگام مرگ خامنه‌ای آن‌ها همه قوای خود را در خیابان‌ها نگه داشته‌اند تا با خیزش عمومی مقابله کنند.
۳. مقاومت سازمان یافته در ماه‌های اخیر اعتلای روزافزون داشته است. در قیام دی‌ماه، کانون‌های شورشی در گسترش قیام و سمت دادن به آن نقش مهمی داشتند.

آن‌ها در دفاع از تظاهرکنندگان بی‌سلاح با ۶۳۰ تهاجم به مراکز سپاه و بسیج و سایر نهادهای رژیم به مقابله با سرکوب وحشیانه پرداختند.

مجاهدین در چهارم اسفند، ۱۴۰۴ چند روز قبل از جنگ اخیر، با ۲۵۰ رزمنده، مقر خامنه‌ای و سایر مراکز اصلی حکومتی یعنی حفاظت‌شده‌ترین نقطه کشور را مورد تهاجم قرار دادند. و حدود ۱۰۰ تن از آن‌ها شهید و دستگیر شده‌اند.

آن‌ها در واحدهای متعدد ارتش آزادی‌بخش در تهران، رژیم را به وحشت انداختند. به قول مسعود رجوی مواجهه و رویارویی با این رژیم، کار مردم ایران، جوانان شورشگر، شهرهای شورشی و ارتش آزادی‌بخش ملی است.

۴. شورای ملی مقاومت ایران روز نهم اسفندماه ۱۴۰۴، دولت موقت برای انتقال حاکمیت به مردم ایران و برپایی جمهوری دموکراتیک را بر اساس برنامه ۱۰ ماده‌یی این مقاومت اعلام کرد.

این دولت وظیفه دارد که حداکثر شش ماه بعد از سرنگونی رژیم با یک انتخابات آزاد، مجلس موسسان را تشکیل دهد. بعد از آن، همه قدرت به نمایندگان مردم در این مجلس منتقل می‌شود تا یک دولت جدید را تعیین کند.

۵. در برابر پسر خامنه‌ای که مدعی حدود ۳۰ میلیون جان فدا برای رژیم است، باز هم اعلام می‌کنم که اگر راست می‌گوید یک انتخابات آزاد مجلس مؤسسان یا ریاست‌جمهوری را تحت نظارت ملل متحد بر اساس اصل حاکمیت مردم و نه حاکمیت آخوند قبول کند!

۶. از نخستین روز شروع جنگ اخیر، شورای ملی مقاومت بر شعار صلح و آزادی تأکید کرد. به محض اعلام آتش‌بس شورای ملی مقاومت از آن استقبال کرد و تأکید کرد که صلح پایدار تنها با سرنگونی دیکتاتوری دینی توسط مردم و مقاومت سازمان‌یافته و برپایی یک جمهوری دموکراتیک برقرار می‌شود. اگر اروپا می‌خواهد در برقراری صلح و دموکراسی در خاورمیانه تاثیرگذار باشد، باید هرگونه مداخلات با رژیم را کنار بگذارد و در کنار مقاومت سازمان‌یافته برای برقراری یک جمهوری دموکراتیک در ایران بایستد.

۷. بامداد دوشنبه همین هفته استبداد دینی دو عضو مجاهدین، فرمانده حامد ولیدی و محمد معصوم شاهی را با شقاوت تمام حلق‌آویز کرد. با این جنایت شمار اعضای مجاهدین که فقط ظرف سه هفته گذشته اعدام شده‌اند، به هشت نفر رسید.

هشت جوان شورشگر نیز اعدام شدند. یکی از آن‌ها همین دیروز اعدام شد و یکی دیگر دستگیرشدگان قیام، زیر شکنجه به‌قتل رسیده است.

همزمان، رژیم با موشک‌باران و حملات پهن‌پای پی‌درپی به مقر احزاب گرد ایرانی شماری از پیشمرگان را به‌شهادت رسانده است.

در ۱۹ آذر سال گذشته در همین پارلمان به احکام ناعادلانه اعدام که برای ۱۸ نفر به اتهام عضویت در مجاهدین صادر شده بود، اشاره کردم و عکس‌های آن‌ها را نشان دادم و خواستار اقدام فوری شدم. آخوندها با استفاده از شرایط جنگی به اعدام‌های بی‌وقفه رو آورده‌اند تا راه قیام‌ها را ببندند. امروز زندانیان سیاسی با تهدید کشتار مواجهند. سکوت رهبران اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو غیرقابل توجیه است و من امروز می‌خواهم مجدداً به سکوت در برابر این اعدام‌ها اعتراض کنم. در همین حال شماری از جوانان به اتهام ارتباط و حمایت از سازمان مجاهدین در روزها و هفته‌های اخیر دستگیر شده‌اند که اسامی گروهی از آن‌ها برای مراجع بین‌المللی ارسال و اعلام شده است. به دستور سرکرده قضایه رژیم، فشار و شکنجه بر روی زندانیان سیاسی افزایش یافته و محاکمه فرمایشی آن‌ها و صدور احکام جنایتکارانه تسریع شده است. همین حالا ۱۱ زندانی سیاسی به اتهام عضویت در مجاهدین زیر حکم اعدام هستند. و باید برای نجات آن‌ها دست به اقدام فوری زد. حرف ما این است که توقف اعدام‌ها در ایران به‌عنوان خواست تمام مردم ایران باید در هر توافق بین‌المللی گنجانده شود.

۸. یکی از اهرم‌های رژیم برای مقابله با قیام و مقاومت، میدان دادن به یک آلترناتیو ساختگی حول بقایای دیکتاتوری شاه است. رژیم آخوندی هیچ‌گاه بقایای رژیم شاه را تهدید موجودیت خود نمی‌بیند و نظریه‌پردازانش می‌گویند بقایای شاه، به بقای رژیم کمک می‌کنند. متأسفانه پاره‌یی محافل غربی هم با انگیزه‌ها و منافع مختلف در این آلترناتیو سازی با رژیم همسو می‌شوند. این پروژیهی است بر اساس جعل و دروغ و مهندسی رسانه‌یی و مجازی و رقم سازی‌های نجومی. این خیمه‌شب‌بازی‌ها البته دیکتاتوری سلطنتی را به ایران باز نمی‌گرداند اما عمر رژیم را طولانی‌تر می‌کند و در برابر سرنگونی مانع ایجاد می‌کند. حاصل عملکرد بقایای شاه در قیام ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴ ایجاد تفرقه در صفوف مردم و هموار کردن راه برای کشتار بزرگ در دی‌ماه گذشته بوده است. پسر شاه به پرونده پدرش افتخار می‌کند و دفترچه اضطرار او، بازسازی همان دیکتاتوری فاشیستی پدرش هست. اما مردم ایران جنایات رژیم شاه به‌خصوص شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را فراموش نمی‌کنند. همین دو روز پیش سالگرد شهادت اعضای مرکزیت مجاهدین در ۳۰ فروردین سال ۱۳۵۱ به‌دست دژخیمان شاه بود.

راه حل مقاومت مردم ایران

رژیم آخوندی ایران را به فاجعه کشانده و صلح و امنیت منطقه و جهان را تیره و تار کرده است. پاسخ این رژیم مماشات یا جنگ خارجی نیست.

پاسخ آن چنان که بارها تکرار کرده‌ام، قیام سازمان‌یافته و ارتش آزادی است. کسانی که فاکتور مردم و مقاومت را در معادله ایران نادیده می‌گیرند، با هر بهانه‌یی به بقای دیکتاتوری دینی امداد می‌رسانند. این نقطه کانونی سیاست مماشات است. همه می‌دانند که مهم‌ترین مرز سرخی که رژیم به دولت‌های اروپایی دیکته کرده، نزدیک شدن به شورای ملی مقاومت است. پیروی از خواست رژیم یک خطای محاسباتی نیست. بلکه انتخابی است با پیامدهای سیاسی و اخلاقی.

در مقابل مقاومت ایران یک جایگزین دموکراتیک را معرفی کرده است. راه‌حلی که از ده‌ها سال مبارزه ریشه‌دار مردم ایران برخاسته است. مبارزه‌یی که هم دیکتاتوری سابق و هم دیکتاتوری فعلی را نفی می‌کند. این جایگزین:

- در پی یک جمهوری دموکراتیک، جدایی دین و دولت، خودمختاری ملیت‌های تحت ستم و مشارکت فعال و برابر زنان در رهبری جامعه است.

- متکی به یک نیروی رزمنده و فداکار در سراسر ایران است که سپاه پاسداران را آماج نبردهای خود قرار داده.

- با یک تشکیلات گسترده و ۶۰ سال تجربه مبارزاتی که از ظرفیت سازمان‌دادن قیام برخوردار است.

- از چنان ظرفیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار است که می‌تواند میان نیروهای سیاسی، ملیت‌ها و پیروان مذاهب گوناگون همبستگی ایجاد کند.

- حقوق مردم ستمزده بلوچ عرب، کرد و ترکمن را تضمین می‌کند.

- مسیر رفع تبعیض میان اهل سنت، شیعه و پیروان سایر مذاهب است.

- با دفاع از اصل آزادی پوشش و به خصوص نقش فعال و برابر زنان در رهبری سیاسی جامعه،

نیروی زنان را برای پیشبرد این هدف برمی‌انگیزد.

- برای رشد دموکراسی و کثرت‌گرایی میدان باز می‌کند.

و بعد از سرنگونی رژیم، امکان انتقال آرام، منظم و دموکراتیک قدرت به مردم ایران را فراهم می‌کند. به نحوی که هرگز تجربه لیبی یا عراق در ایران تکرار نخواهد شد.

از طرف مقاومت ایران، اتحادیه اروپا را به اتخاذ سیاست تازه‌یی در قبال ایران فرا می‌خوانم.

به نحوی که:

- دولت موقت اعلام شده توسط شورای ملی مقاومت را به رسمیت بشناسد.

- سفارت‌خانه‌های رژیم را تعطیل و مزدوران و ماموران وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران را از خاک خود اخراج کند.

- امکانات فنی لازم برای دسترسی مردم ایران به اینترنت آزاد را فراهم سازد،
- روابط با رژیم را به توقف اعدام زندانیان سیاسی و کشتار معترضان مشروط کند.
و سردمداران رژیم را به خاطر جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی تحت تعقیب قرار دهد.